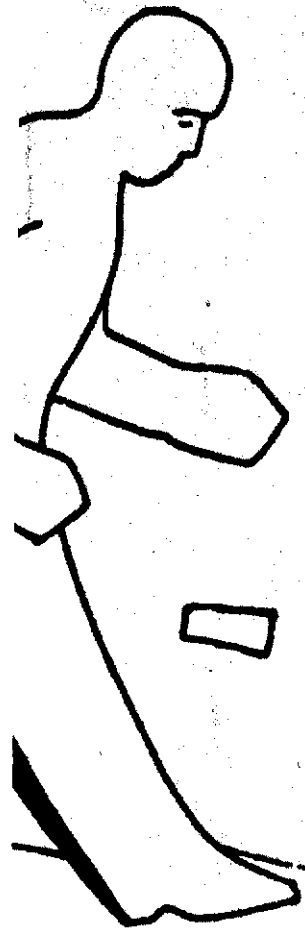




# صدا و سیما از لاریجانی تا ضرغامی



حجت الله سوری

بررسی حضور لاریجانی در صدا و سیما بدون توجه به تحولات سیاسی غیر ممکن است.

۱۰ سال از حضور علی لاریجانی فرزند آیت ا... هاشم آملی در صدا و سیما گذشت و او توانست همراهی صدا و سیما با ۷ سال دوره اصلاح طلبی ملت ایران را که بخشی از آن در حوزه فرهنگ تعریف می شود در کارنامه خود ثبت کند تا در برخی محافل به عنوان آلترناتیوی برای ریاست جمهوری دوره هشتم مطرح باشد. دوره لاریجانی دارای مختصاتی بوده که خواه ناخواه از دوم خرداد و اصلاحات متاثر بود.

گسترش شبکه های تلویزیونی به ۷ شبکه، حضور نیروهای جا مانده از انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در ارکان تصمیم گیری صدا و سیما، رویکردهای مختلف و متنوع بر ساخت برنامه های تلویزیونی با نگاه غیر فرهنگی، حاکم شدن جو سیاست گرایی در بسیاری از شبکه های سیما از جمله ی این تاثیرات بود. لاریجانی کسی بود که از تمام مراحل ارتقای مقام گذشته بود. حضور طولانی در سپاه پاسداران، حضور در حوزه فرهنگی



کشور، وابستگی به یک خانواده سنتی روحانی، توانایی تحلیل فرهنگی با گرایش خاص بویژه عملکرد او در ۲ سال حضور در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از لاریجانی شخصیتی قابل قبول برای حضور در مهم ترین ارگان تبلیغی کشور در مقطع تحولات ۲۵ ساله انقلاب ساخته بود. دوره ی ۱۰ ساله حضور لاریجانی را می توان به چهار دوره تقسیم کرد دوره اول که مصادف با

سال های آخر ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بود و گرایش همراهی و هماهنگی با دولت قوی بود و تفکر طیف های مختلف نیروهای سیاسی در راس مدیریت های این نهاد عظیم در برنامه های سیما تاثیر مشهودی نیافته

بود دوره دوم که مصادف با سال های ۷۶، ۷۷ و ۷۸ است. به دلیل فضای غالب ناشی از دوم خرداد، صدا و سیما سعی کرد کجدار و مریز به تحلیل ها و آثار حادثه دوم خرداد بپردازد. در این مرحله به صدا و سیما شوکی وارد شده بود که بر نیروهای اجرایی نیز تاثیر گزارده بود. و تحلیل ها، مصاحبه ها و نظرات عوامل اجرایی این شبکه های مختلف رادیو و تلویزیون نشان از حضور تفکر خاصی داشت و در این مرحله بویژه صدور اطلاعیه

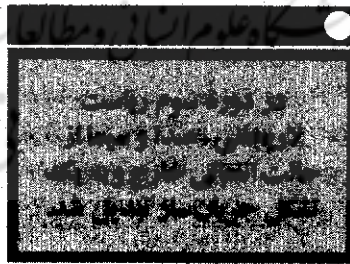
کارگردانان و عوامل فیلم سازی در حمایت از دوم خرداد شرایط جدیدی را در صدا و سیما ایجاد کرد که در نوع فیلم ها، سریال ها و... نمایان بود. در این دوره صدا و سیما کوشید تفسیری معنادار از دوم خرداد و مطالبات مردم ارائه دهد که دازای زاویه ای خاص با تعریف تئورسیسین های اصلاحات بود. در تلاوم این دوره، صدا و سیما زاویه اش را با اصلاحات گسترش داد و



مطرح شد و سعی کرد در برابر حضور قدرتمند مطبوعات اصلاح طلب وارد میدان شود. از مهم‌ترین مشخصات این دوره خروج صدا و سیما از حالت انفعالی بود که تلاش شد شوک ناشی از دوم خرداد به طول کامل رفع شده و صدا و سیما وارد جریان سازی افکار عمومی شود. این دوره با مخالفت نمایندگان مجلس اصلاح طلبان نسبت به نحوه پخش اخبار و تحولات جامعه همراه بود ولی صدا و سیما سعی در پاسخگویی به انتقادات کرد که در این ارتباط پاسخ‌های روابط عمومی این سازمان حجم بالایی از صفحات مطبوعات اصلاح طلب را شامل می‌شد. ادامه این روند صدا و سیما و اصلاح طلبان و کمیسیون فرهنگی مجلس را به نقطه جدایی کامل رساند. و صدا و سیما به طور کامل از پاسخگویی دور شد به گونه‌ای که در تداوم آن صداوسیما به خط قرمز انتقادات تبدیل شده و در صدر لیست شاکیان از مطبوعات قرار گرفت.

دوره چهارم فعالیت لاریجانی که با دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی همراه بود خود دارای ویژگیهای فرهنگی و غیر فرهنگی است در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی که با دوره اول دارای تفاوت ماهوی است اصلاح طلبان نا امید از اصلاح این نهاد، کناره‌گیری تندروهای اصلاح طلبی از جریان اصلاحی به شکل‌های دلخواه یا غیر دلخواه و عدم تمایل خاتمی به ادامه روند سیاسی دوره اول باعث شد که صدا و سیما اگر چه همچنان دارای

جهت‌گیری ویژه و معنادار با اصلاحات بود اما عملاً اصلاح طلبان را به انفعال کشاند و با ساخت برنامه‌های مختلف در قالب فیلم، سریال، طنز و ... بتواند تعریف خود از اصلاحات را به جامعه بقبولاند و تلاش کند با موفقیت از رقابت با اصلاح طلبان پیروز بیرون آید. این پیروزی با سیاست حفظ وضع موجود تا به پایان رسیدن مجلس ششم همراه بود و صدا و سیما در این مدت سعی داشت



برای جهت دادن به تفکرات اصلاحی و افکار عمومی

پیشرو شده و به دنبال یافتن تعاریف جدید

خود از شرایط پس از دوم خرداد بود.

این شرایط با کنفرانس برلین و حضور

جمعی از اصلاح طلبان در این کنفرانس

بدست آمد. در واقع دوره سوم حضور لاریجانی از

کنفرانس برلین شروع شد و تا ابتدای دوره دوم ریاست

جمهوری خاتمی ادامه یافت. مصادف شدن

کنفرانس برلین با تعطیلی جمعی از

مطبوعات باعث شد صدا و سیما به

بازنویسی شرایط و تعاریف دلخواه خود

از اصلاحات بپردازد. کنفرانس برلین

و پخش آن از سیما به همراه سری

دوم برنامه چراغ و حضور جمعی از

مردان جا مانده از نمایندگی مجلس

و حضور در دولت خاتمی در ارکان

تصمیم‌گیری صدا و سیما از

مختصات مهم دوره سوم است.

یکی از مشخصات مهم این دوره

تولد پدیده‌ای به نام آنتن‌های

ماهواره‌ای در پشت بام شهرهای

بزرگ کشور بود. نگرش ویژه صدا

و سیما به تحولات جامعه، دوری از بخش

فرهنگی و مطالبات فرهنگی مردم، ساخت سریال و

فیلم‌های مختلف توسط یک طیف مشهور از فیلم‌سازان و سریال‌سازان و

حذف تیم قدیمی سریال‌سازان و کارگردانان و مجریان تلویزیون، رشد سیاست

در صدا و سیما و تغییر نگرش صدا و سیما که باعث تنوع ابتدایی در برنامه‌های

تلویزیون شده بود، دست به دست هم داد تا برنامه‌های

صدا و سیما از کیفیت لازم دور شده و مردم به دنبال

جایگزین دیگری باشند. فهم این نیاز در آن سوی آبها در

مقطعی کوچک اگر چه باعث رشد شدید آنتن‌های

ماهواره‌ای به شکلی خطرناک شد که در مقاطع خاصی

دارای برنامه‌هایی با چاشنی سیاسی بودند، اما در تداوم

زمان این شبکه‌ها به دلایل مالی و سیاسی و عدم درک

درست از مطالبات فرهنگی مردم به برنامه‌هایی تکراری

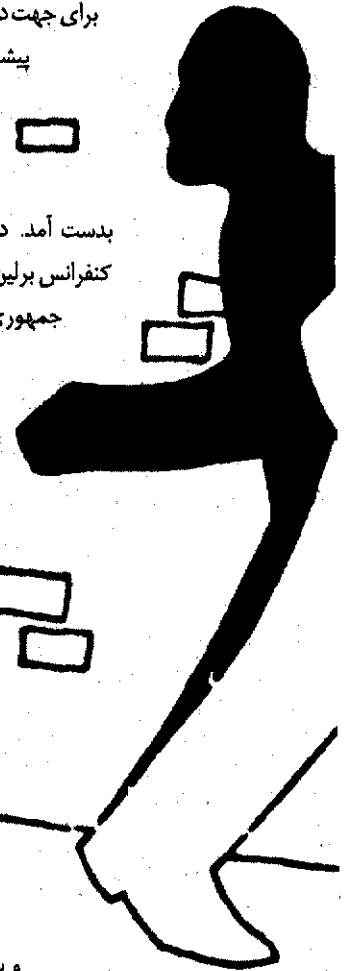
و یک شکل تبدیل شدند که آنها را از اهداف اولیه تاسیس دور کرد.

با این حال حضور کجدار و مریز آنتن‌های ماهواره‌ای در پشت بام‌ها،

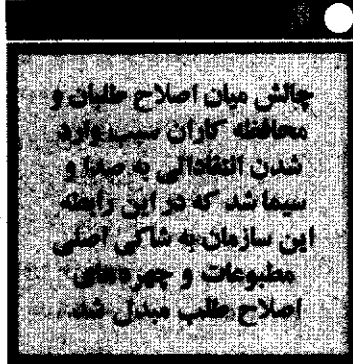
حضور چند شبکه جدید تلویزیونی و افت کیفی برنامه‌های تفریحی صدا و

سیما شرایطی ایجاد کرد که این شبکه‌ها همچنان امیدوار باشند و بتوانند به

حیات خود ادامه دهند. در دوره سوم، صدا و سیما رسماً به عنوان جریان‌ساز



خط قرمز نقد از خود را گسترش دهد و شرایطی ایجاد کند که زمینه برای انتقاد بوجود نیاید. در این مقطع همچنین تخلف‌های مالی صدا و سیما، کاهش بودجه این سازمان توسط مجلس و تبلیغات فراوان در این نهاد شرایطی ایجاد کرد که صدا و سیما از رقابت رو در رو با اصلاح‌طلبان ناامید شده و سعی کند جریان‌سازی فرهنگی را در راس برنامه‌هایش قرار دهد. در واقع در دوره چهارم، فرهنگ‌سازی بر حضور سیاست در صدا و سیما غلبه یافت و سریال‌ها و فیلم‌ها کاملاً در قالب فرهنگی و با



و سیما و مجلس خلاصه شد پیگیری کنند. طرفداران راه‌اندازی این شبکه برای توجیه طرح خود رویکردی داخلی و خارجی دارند آنها معتقدند ایران برای عقب نماندن از کشورهای همسایه با ارایه تعریف شفاف و واقعی از ایران و ایرانی به جهان، بستن راه نفوذ شبکه‌های لس آنجلسی و در بعد داخلی یافتن یک نهاد موثر و قانونمند برای پیگیری مطالبات مردم در بخش فرهنگ رقابت با صدا و سیما برای بهبود برنامه‌هایش، حمایت از عملکرد دولت و اصلاحات و آماده‌سازی جامعه

اهدافی ویژه تولید شدند اما سعی شد دامنه رقابت مثل دوره‌های دوم و سوم نبوده و به جنجال تبدیل نشود. با این حال کمیسیون فرهنگی مجلس به مناسبت‌های مختلف همچنان منتقد جدی لاریجانی بود. در این دوره مهم‌ترین نقدی که به صدا و سیما وارد شد، عدم اطلاع‌رسانی کافی و مناسب از اقدامات اقتصادی انجام شده در دولت خاتمی، کوچک‌نمایی اقدامات عمرانی دولت و تبعیض در بازتاب نقطه نظرات اصلاح‌طلبان و دولت (حتی خاتمی) بود؟ به گونه‌ای که بارها صدای اعتراض دولت و خاتمی بلند شد که صدواوسیما برای یک اقدام عمرانی کوچک طیف مورد نظرش ساعتها برنامه پخش می‌کند اما از حجم عظیم کارهای اقتصادی دولت فقط در حد چند ثانیه خبرسازی می‌کند. دوره چهارم با انتخابات شوراها، سالهای آخر دوره ششم مجلس و غیبت منتقدین اصلی صدا و سیما همراه بود و این ذهنیت را در تصمیم سازمان صدواوسیما ایجاد کرد که این نهاد در عملکرد موفق بوده است و می‌تواند در آینده نیز موفق باشد در عمل نیز در چند مورد تحلیل‌هایش درست از آب در آمده و توانست در انتخابات دوره هفتم مجلس نیز به شکل موقتی در جهت خواسته محافظه‌کاران عمل کند. دوره پنجم صدا و سیما را می‌توان با خروج لاریجانی از صدا و سیما (هر چند همفکران او در این نهاد حضور دارند) و حضور مهندس عزت‌ا... ضرغامی و افتتاح مجلس هفتم در ۷ خرداد ۱۳۸۲ همراه دانست. دوره چهارم با یک اتفاق مهم به پایان رسد. زمانی که اصلاح‌طلبان از طریق فشارهای مطبوعات، انتقادات نمایندگان و اظهار نظر هیات دولت و... نتوانستند راهی برای مصالحه با صدا و سیما پیدا کنند، بالاخره از نظر جمعی اندک از منتقدان لاریجانی که تنها راه بازتاب عملکرد اصلاح‌طلبان و آگاهی افکار عمومی را از فعالیتهای انجام شده تاسیس یک رسانه موازی می‌دانستند یکی از افراد زیر مجموعه این نهاد که اتفاقاً عضو کمیسیون فرهنگی مجلس ششم نیز بود و شناخت کافی از صدواوسیما داشت و بارها به نقد صدواوسیما پرداخته بود، طرح تاسیس یک شبکه تلویزیونی در خارج از کشور را با موفقیت به سرانجام رساند. گفته می‌شود این شبکه برنامه‌هایش را از پاییز سال جاری آغاز خواهد کرد. بسیاری این اقدام را بهترین راهکار اصلاح‌طلبان برای خروج دولت‌طلبانه از رقابت با صدواوسیما می‌دانند و معتقدند اصلاح‌طلبان سالها قبل از این باید این شبکه را راه‌اندازی می‌کردند تا نه تنها ناامیدی بر اصلاحات حاکم نشود بلکه بتوانند مطالبات بزرگ فرهنگی خود و جامعه را که به دلیل برخی اتفاقات فقط در دعوای صدا

و نخبگان برای انتخابات آتی ریاست جمهوری نیاز راه‌اندازی این شبکه در روزهای آینده دارد.

امروزه پس از ۱۰ سال با حضور عزت‌ا... ضرغامی فردی که زندگی سیاسی خود را از سپاه پاسداران و وزارت ارشاد و معاونت پارلمانی صدا و سیما (به عنوان کلیدی‌ترین معاونت در دوره اصلاحات و انتقادات مجلس) شروع کرده و کاملاً وابسته به لاریجانی است می‌توان حدس زد که زمان همچنان به

نفع صدا و سیما در حرکت است اما نمی‌توان گفت این زمان چقدر طول می‌کشد؟ در این شرایط این سؤال مطرح است که در کنار افرادی چون خجسته و سرافراز برای ریاست صدا و سیما یا حضور ضرغامی در راس این سازمان، صدا و سیما شاهد چه تحول و تاثیری خواهد بود؟ یک طیف از نخبگان معتقدند با حضور ضرغامی در صدا و سیما در کنار واگذاری ریاست مجلس به یک فرد غیر روحانی که در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار به وقوع می‌پیوندد و نگاه دوگانه به فیلم "مارمولک" شاهد روی کار آمدن نخبگان جدید اجرایی در ارکان مهم کشور خواهیم بود. این دسته از نخبگان در این نکته با هم مشترک هستند که تمام افراد عضو این تشکل‌ها از نسل دوم انقلابیونی هستند که دارای سابقه حضور در نظام می‌باشند و به دوری از تقسیم‌بندیهای سیاسی سنتی صورت گرفته در سالهای اخیر در قالب جامعه روحانیت مبارز، حزب مؤتلفه اسلامی، جامعه اسلامی مهندسان، معلمان و... شهرت دارند؛ آنان در هیچ قالبی تعریف نمی‌شوند و قطعاً می‌توانند تصمیم‌هایی اتخاذ کنند که در مدت ۲۵ سال گذشته بی سابقه می‌باشد. این تصمیم‌ها می‌تواند مثبت یا منفی بوده و جامعه را به آرامش سوق داده یا متشنج کند.

طیف دوم در باره دوران پس از لاریجانی از صدا و سیما معتقدند صدا و سیما در زمان ضرغامی



کرد شبکه‌های استانی را به عنوان نیاز استانها و به منظور تقویت فرهنگ بومی استانها گسترش دهیم و تمام استانها به شبکه مستقل استانی تجهیز شوند.

لذا باید منتظر ماند و آثار این سیاست را در سالهای آتی دید. ضرغامی نماینده یک نیرو و جریان جدید در فرهنگ کشور است که به جوانی، جسارت و غیر قابل پیش‌بینی بودن شهرت دارد. اما وابستگی آنها به جناح‌های نظامی این ذهنیت را به وجود آورده که نگرش آنها به مسایل فرهنگی تا چه اندازه می‌تواند با انعطاف همراه باشد.

دوران ۱۰ ساله حکومت علی لاریجانی در صداوسیما در حقیقت دومین دوره حضور او در این رسانه می‌باشد، زیرا قبل از مدیریت محمد هاشمی بهرامانی نیز سال‌ها این مسئولیت را بر عهده داشت. وابستگی به خانواده شهید مطهری، از او چهره‌ای محافظه‌کار و در خدمت اهداف سیاسی و فرهنگی این گروه و جناح ضد اصلاحات ساخته بود که صدا و سیما را به تریبون احزاب و گروه‌های مخالف مجلس و رییس جمهوری تبدیل کرد.

سیاستی که لاریجانی در صدا و سیما اعمال کرد اگر چه موفقیتی برای جناح محافظه‌کار تلقی می‌شود اما اثرات منفی نیز در جامعه بر جای گذاشته و سبب رشد گرایش به رسانه‌های خارجی گردید که این مساله را از رشد و روییدن آنتن‌های ماهواره‌ای بر فراز بام‌ها می‌توان مشاهده کرد.

به همین دلیل مساله لاریجانی و حضور ۱۰ ساله او در صدا و سیما را می‌توان از دو زاویه محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان مورد نقد و بررسی قرار داد. ولی این واقعت را باید اعتراف کرد که محافظه‌کاران که امروز نبض مجلس را در دست داشته و برای دوران ریاست جمهوری پس از خاتمی خود را آماده می‌سازند مدیون لاریجانی و شبکه‌های او هستند زیرا او و دستگاه عریض و طویل تحت مدیریتش، به ۲ طریق با اصلاح‌طلبان برخورد کردند.

- صدا و سیما که به تریبون محافظه‌کاران تبدیل شده بود بدون هیچ محدودیتی به القا ذهنیت منفی علیه مجلس و این جناح در جامعه می‌پرداخت که این روش بارها اعتراض مجلس و اصلاح‌طلبان را در پی داشت.  
- مساله دوم که از اهمیت به سزایی برخوردار بود، تبدیل کردن صدا و سیما به کانون شکایت علیه مطبوعات اصلاح‌طلب و چهره‌های شاخص این جناح بود. بطوریکه اگر نگاهی به پرونده‌های مطرح شده از روزنامه‌های اصلاح‌طلب و چهره‌های این جناح در دادگاهها بیندازیم این واقعت آشکار خواهد شد که همواره یکی از شاکیان اصلی، صدا و سیما بوده است.

لذا در پایان ۱۰ سال حکومت لاریجانی بر صدا و سیما این سؤال ذهن مردم و منتقدان این سازمان را به خود مشغول داشته که ضرغامی که همواره در مسئولیت‌های مختلف زیر نظر لاریجانی فعالیت کرده و تابع او بوده قادر است تغییری در سیاست‌های صدا و سیما ایجاد کند یا این که همان روش‌ها را ادامه خواهد داد؟

یعنی این که فقط نام مدیرعامل صدا و سیما تغییر می‌کند اما همان روش‌های پیشین اعمال خواهد شد.

با توجه به نقش این سازمان در تهران و پایتخت و فروکش کردن رقابت‌های سیاسی، پایان مجلس ششم و خروج طیف بزرگ منتقدین از دوره رقابت‌ها و تبدیل شدن مجلس به یک کانون هم‌فکر با صدا و سیما و نیز نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری و دیدگاه ویژه ضرغامی و حضور او در مدیریت‌های مختلف صدا و سیما و فرهنگی کشور، با توجه به موفقیت هم‌فکران ضرغامی در انتخابات شوراهای و مجلس شرايطی ایجاد شده که صدا و سیما اهم توجه خود را به مدیریت‌های انسانی مبنول کند و فرهنگ‌سازی در استانها را به طور جدی پیگیری کند. این فرهنگ‌سازی می‌تواند در انتخابات آتی به موفقیت‌های بزرگی بیانجامد. موفقیتی که دور از ذهن نیست و از هم اکنون می‌توان زمینه‌سازی‌های آنرا دید. پیروزی صدا و سیما در تهران قطعاً باید منجر به پیروزی در استانها شود. کافی است اولین موضع‌گیری ضرغامی را در سمت جدید ببینیم تا به فهم این تحلیل نزدیک‌تر شویم. او پس از معرفی به عنوان ریاست جدید صدا و سیما، چنین گفت در سال جاری سعی خواهیم

